

رستوران

گنجشک‌ها

فصلنامه خوشدونی فراوانی

آموزگار کلاس چهارم ابتدایی

مدیر ایبگم هژبری

مدیر دوره‌ی ابتدایی

بسیار ناراحت بودم. بچه‌ها حتی گاهی زحمت برداشتن این خرده‌ها را نیز از روی زمین به خود نمی‌دادند. در هفته‌ی دوم مهرماه، در مدرسه‌ی ما طرحی با عنوان «یک دانش‌آموز، یک گلدان» برای تقویت حس مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان اجرا شد. طرح بدین گونه بود که طی سال تحصیلی، هر دانش‌آموز باید یک گلدان را به کلاس اهدا می‌کرد. مراقبت از آن گلدان تا پایان سال تحصیلی با خود دانش‌آموز بود. روزی یکی از دانش‌آموزان گلدانی به همراه خود آورد که شب قبل آن را آبیاری کرده بود. برای اینکه آب اضافی گلدان کیف و لوازم او را خیس نکند، گلدان را در یک ظرف گود یک‌بارمصرف پلاستیکی گذاشته و با خود به کلاس آورده بود. چند روزی گذشت. ظرف پلاستیکی بدون استفاده در گوشه‌ی کلاس قرار گرفته بود. اعتقاد من این بود که هر چیزی روزی به کار گرفته خواهد شد.

در پایان هفته‌ی دوم، به سبب کسالت، در منزل استراحت می‌کردم. روی گوشه‌ی همراهم یک بازی نصب بود که گاهی خواهرزاده‌ی کوچکم با آن بازی می‌کرد.

این بازی مراحل داشت که هر بازیکن باید طی آن، یک رستوران باز می‌کرد و به مشتری‌های خود منوهای متنوعی از غذاها را ارائه می‌داد. در آن چند روز، دو بار وارد این بازی شدم و چند مرحله‌ی از بازی را ادامه دادم.

در هفته‌ی سوم مهر، وضعیت موجود کلاس، ظرف پلاستیکی بدون استفاده، و صدای گنجشک‌های حیاط مدرسه در یک صبح پاییزی باعث شدند ایده‌ای با تلفیق و ترکیب این داشته‌ها به ذهنم خطور کند که به حل خلاقانه‌ی مسئله‌ی موجود در کلاس درس نیز کمک کند و آن ایجاد رستورانی برای پرندگان از تکه‌های باقی‌مانده‌ی تغذیه‌ی دانش‌آموزان بود. بعد از آنکه موضوع را با مدیر مدرسه در میان گذاشتم، زود دست‌به‌کار شدم. در زنگ تفریح، ظرف پلاستیکی کنار کلاس را تزئین کردم و روی آن با یک ماژیک عبارت «رستوران گنجشک‌ها» را نوشتم و به بچه‌ها نشان دادم. برق شادی را در تک‌تک چهره‌های آن‌ها

در دنیایی زندگی می‌کنیم که در حال تغییر و تحول است؛ بنابراین همگان نیازمند کسب مهارت‌های تفکر خلاق، انعطاف‌پذیر و دقیق هستیم که علاوه بر توان رویارویی با این تغییرات، قادر به یافتن راه‌حلی برای پیشبرد فیزیکی و اجتماعی محیط خود باشیم. این مهارت‌ها باعث غنای زندگی می‌شوند. مهارت‌های تفکر خلاقانه به افراد این امکان را می‌دهند که نه تنها تغییرات را بپذیرند، بلکه خود را با آن وفق دهند. ندهرمان نویسنده‌ی کتاب ذهن خلاق در تعریف خلاقیت چنین می‌نویسد: «به نظر من خلاقیت در معنای کامل خود، هم تولید ایده را شامل می‌شود و هم نشان دادن آن را؛ یعنی باعث رخ دادن چیزی شبیه یک نتیجه می‌گردد. به‌منظور تقویت توانایی خلاقیت باید فکر و ایده را به‌صورتی به کار گرفت که تجربه از یک‌سوی واکنش خود شخص و سایرین از سوی دیگر باعث تقویت عملکرد شوند.»

با توجه به این مقدمه، طرح «رستوران گنجشک‌ها» را در کلاس با هدف ترویج فرهنگ استفاده‌ی درست از نعمت‌های الهی و پرهیز از اسراف و تقویت حس مهربانی به موجودات دیگر اجرا کردیم. در ادامه به شرح ماجرا می‌پردازیم:

با شروع سال تحصیلی ۱۴۰۱ و بعد از گذشت تقریباً دو سال تحصیلی به‌صورت مجازی، دانش‌آموزان دوباره داشتند کلاس‌های حضوری را تجربه می‌کردند. آنچه توجه من را به خود جلب کرد و باعث شد به این طرح برسم این بود که فهمیدم در کلاس و هنگام صرف تغذیه، دانش‌آموزان به اصول بهداشتی، نظافت کلاس و... توجهی ندارند؛ مثلاً در ساعت‌های تفریح و بین زنگ‌های کلاس درس، می‌دیدم تکه‌های بیسکویت یا لقمه‌های نان دانش‌آموزان در زیر نیمکت‌ها و زیر پای آن‌ها خرد و له شده یا در کنار سطل زباله‌ی کلاس ریخته شده است. دانش‌آموزان هم توجه کافی به این خرده‌های نان و بیسکویت ندارند. به‌خاطر این اسراف

آیندازی

اسفند ماه
دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۶ | ۱۴۰۱

۱۶

بعدی این اطلاعات کدگذاری شده راهنمایی برای رفتار و عمل ما خواهد بود.

طبق نظریه‌ی یادگیری اجتماعی بندورا، بسیاری از بخش‌های زندگی ما ریشه در تجربه‌های یادگیری اجتماعی دارند.

امروز هم معلمان و هم والدین می‌دانند الگودهی رفتارهای صحیح چقدر برای تربیت کودکان اهمیت دارد. می‌توانیم از نظریه‌ی یادگیری بندورا برای آموزش رفتارهای مثبت و مطلوب و تسهیل در تغییر رفتارهای اجتماعی استفاده کنیم.

با این طرح نوآورانه و تلفیق ایده‌ها جلوی اسراف خوراکی‌ها را در کلاس گرفتیم و حس مهربانی با حیوانات و محیط اطراف خود را نیز در دانش‌آموزان تقویت کردیم و توجه‌ی آن‌ها را به نعمت‌های الهی که خداوند در اختیار ایشان قرار داده است، جلب کردیم. امید است که این ایده راه‌گشایی برای زندگی اجتماعی بهتر دانش‌آموزان در آینده باشد!

می‌توانستیم ببینیم. از شاگردانم خواستیم که امروز در مدرسه هرچه از خرده‌های تغذیه‌هایشان باقی می‌ماند، در این ظرف بریزند و در پایان ساعت مدرسه این ظرف را به حیاط ببرند تا در ساعات‌های بعد از تعطیلی، پرندگان بتوانند از آن تغذیه کنند و دوباره روز بعد ظرف را به کلاس منتقل کنند.

این ایده و ترکیب آن با امکانات در دسترس کلاس آن‌قدر برای دانش‌آموزان جالب بود که برای پرکردن ظرف با باقیمانده‌ی خوراکی‌های خود احساس مسئولیت می‌کردند. مسئله‌ی خرده‌های بیسکویت و نان در زیر نیمکت‌های کلاس به بهترین شکل ممکن حل شد. از اسراف نیز جلوگیری به عمل آمد.

خوشبختانه اکثر رفتارهای انسانی از طریق مشاهده و الگوسازی آموخته می‌شوند. با مشاهده‌ی یک ایده، دیگر افراد نیز یاد می‌گیرند چطور می‌توان رفتار جدید را اجرا کرد. در موقعیت‌های

